

◆ نوشته زیر را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان، عامل پیوند یا دیگران، پیام دادن و گفت‌وگو است. اکنون اگر از شما پرسند «چند زبان دارید؟» جواب خواهید داد: «خب معلوم است یک زبان». اما یا کمی تأمل، درمی‌یابیم که از راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدهیم و یا دیگران سخن بگویند.

بند مقدمه

ما افزون بر این زبان، یعنی زبانی که با آن حرف می‌زنیم، زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلاً وقتی از دور یکی از دوستانمان را می‌بینیم و برایش دست نکان می‌دهیم در واقع بدون آنکه سخنی بر زبان آوریم، با او ارتباط برقرار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و احوالش را می‌پرسیم.

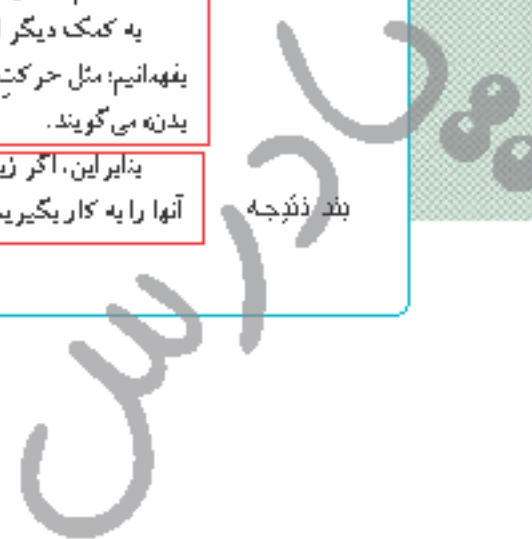
بند بدنه

هنگامی که مُبصر کلاس انگشتش را روی لب و بینی‌اش می‌گذارد، در واقع به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند که ساکت باشند و نظم کلاس را بر هم نزنند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم، برای رای دیگران بفهمانیم؛ مثل حرکت سر، چشم، ابرو و... به این زبان‌ها، «زبان‌های بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب بشناسیم و به موقع آنها را به کار بگیریم، با دیگران ارتباط مؤثرتری خواهیم داشت.

بند نتیجه



الف) چشمش که به پنجره افتاد، غصه‌اش گرفت.
ب) چشمش که به پنجره افتاد غصش گرفت.

جمله الف، درست است؛ در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری، مناسب نیست. مگر در گفت‌وگوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ هر کی وارد شهر می‌شه، می‌پرسه چه خبره؟

..... هر کس وارد شهر میشوَد می‌پرسد چه خبر است؟

◆ تا خودت رو تغییر ندی، نمی‌تونی سبب تغییر دیگران بشی.

تا خودت را تغییر ندهی، نمیتوانی سبب تغییر دیگران شوی.

درس دوم



◆ نوشته زیر را بخوانید و ویژگی های هر بخش را مشخص کنید.

نقشه هایم برای آینده

پند مقدمه

من برای آینده، نقشه های زیادی داشتم که دام می خواست آنها را مو به مو اجرا کنم.

دام می خواست در آینده، متخصص بدن انسان شوم؛ اما برادرم به من گفت: چون تو خوش خط هستی، پس نمی توانی دکتر شوی. نازه، خیلی از دکترها، دکتری را ول کرده اند و رفته اند سراغ ساختمان سازی!

بعد، ما تصمیم گرفتیم که مهندس بشویم تا ساختمان های محکم تری بسازیم و پولدار شویم؛ ولی دیدم برادر بزرگم که خودش چند سال است مهندس شده، هنوز پولدار نشده است؛ نازه او به من گفت: این روزها هر پاره آجری را که باند کنی یک مهندس از زیرش بیرون می آید.

من، خلیاں شدن را هم خیلی دوست داشتم. هنگامی که برادر را «رایت» مرق شاند، پرواز کنند، من در پوست خرد نمی گنجیدم؛ اما الآن هر وقت اخبار را گوش می دهم، یک هواپیمای اسفوط می کند و همیشه هم مقصد اصلی، خلیاں است و من نمی دانم چرا اسم خیلی از این خلیاں ها «توپرافه» است. ما چون به فوتبال هم علاقه مند هستیم و دوست داریم یک روز به «هرنامه» نوده برویم و بین صفر تا یک میلیون، چند تا عدد انتخاب کنیم، تصمیم گرفتیم داور شویم، زیرا داورها یا سوت همه کار می کنند؛ اما چند وقت پیش، شنیدم که نه لاشاچیان در ورزشگاه به داورید و بی راه گفتند و داور هم قرمز شد.

بعد، مصمم شدم که نویسنده بشویم؛ ولی در یک جایی خواندم اگر شکار اکا اکا شغل شد، نویسنده گی هم شغل می شود.

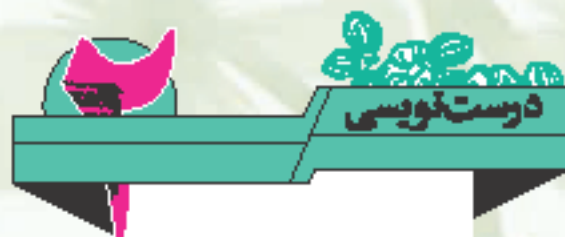
ما دیگر خسته شده بودیم و نمی دانستیم، برای آینده خود چه نقشه هایی بکشیم. دوباره رفتیم سراغ برادرمان و او او مشورت کردیم. او گفت: نمی دانم؛ اما سعی کن کاری را انتخاب کنی که همیشه تک باشی و معروف شوی.

آن وقت بود که ما تصمیم گرفتیم از میان این همه شغل، دست به انتخاب بزنیم و رئیس جمهوری شویم.

◆ صدای شهبازی / مجله کور آبگرم قره‌یون / با تلخیص و اندکی تغییر / نقل از مجله انشا و نویسندگی

پایانه

نتیجه



الف) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از او خواست، نوکته‌اش را بخواند.
ب) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از آن خواست، نوکته‌اش را بخواند.
جمله الف درست است. ضمیر «آن» معمولاً برای اشیا به کار می‌رود و گاهی در حالت جمع به جای اشخاص هم می‌آید، مانند دانش‌آموزان امروز به مدرسه نیامدند، آنها به گردش علمی رفتند.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ مری، دستیارش را صدا زد از آن خواست، بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

مری، دستیارش را صدا زد و از او خواست بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

◆ این دوچرخه را دوست دارم؛ زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

این دوچرخه را دوست دارم زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

درس سوم

◆ نوشته زیر را بخوانید و موضوع کلی و ریز موضوع های آن را با رسم نمودار نشان دهید.

در دنیا عجایب و شگفتی های زیادی وجود دارد. یکی از شگفتی های جهان خلقت، جانوران هستند. جانوران، گونه های مختلفی دارند.

مقدمه

پرنده گان، جانورانی هستند که پرواز می کنند. پر و بال برای پرنده گان مهم ترین عضو است. پرها اگرچه ظریف اند، قوی نیز هستند. پر و بال پرنده گان که در زمان پرواز، گسترده می شوند، در زمان سرما، اضافی گرم و پوشنده و در وقت خطر سپری برای مخفی شدن پرنده است. برخی از پرنده گان، مثل نیر پرواز می کنند. بعضی دیگر به راحتی تغییر جهت می دهند و عده ای نیز در آب، شیرجه می زنند. شتر مرغ، بزرگ ترین پرنده است و نمی تواند پرواز کند و مرغ مگس خوار به اندازه سر انگشت است و کوچک ترین پرنده جهان است.

بدنه متن

خزندگان هم موجودات عجیبی هستند. آنها به روی زمین می خزند. بدنشان فلس دارد و معمولاً تخم می گذارند. بزرگ ترین خزنده، «تمساح»، به طول هفت متر و کوچک ترین آنها، مارمولک خانگی است که تنها ۱۸ میلی متر طول دارد.

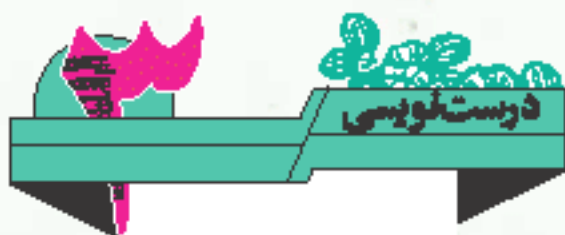
آبزیان، به جای زندگی در خشکی، در آب زندگی می کنند. آنها به جای شش، آبشش دارند؛ به همین خاطر می توانند در زیر آب نفس بکشند. ماهی ها یکی از انواع این آبزیان هستند.

دوزیستان، جانورانی هستند که قادرند هم در آب و هم در خشکی زندگی کنند. آنها در نوزادی ابتدا آبشش دارند؛ اما به تدریج یا رشد کردن، صاحب یک جفت شش می شوند و در خشکی، نفس می کشند.

این گونه گونی و شگفتی خلقت جانوران، یکی از نشانه های قدرت خداوند است و برای ما درس ها و حکمت های زیادی دارد.

پند نتیجه

◆ مولفان



♦ الف) من و حسن به کتابخانه عمومی شهر رفتیم و یک ساعت در آنجا مطالعه کردیم. روز بعد، من یا معلم و دانش‌آموزان، به کتابخانه عمومی شهر رفتیم.
 ♦ ب) من و حسن به کتابخانه عمومی شهر رفتیم و یک ساعت در آنجا مطالعه کردیم. روز بعد، من یا معلم و دانش‌آموزان، به کتابخانه عمومی شهر رفتیم. جمله الف درست است.

- برای «نهاد مفرد»، فعل به صورت «مفرد» آید: من به مدرسه رفتیم.
 - برای «نهاد جمع» فعل به صورت «جمع» می‌آید (ما به مدرسه رفتیم).
 - برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری باشد و بین آنها «و» بیاید، فعل به صورت «جمع» می‌آید: من و حسن به مدرسه رفتیم.
 - برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری باشد» و بین آنها «یا» بیاید، فعل یا کلمه قبل از «یا» هماهنگ است: من یا حسن به مدرسه رفتیم؛ ما یا حسن به مدرسه رفتیم؛ من یا دانش‌آموزان به مدرسه رفتیم؛ دانش‌آموزان یا من به مدرسه آمدند.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ پروانه، در میان گل‌ها چرخیدند؟

..... پروانه در میان گلها چرخید.

♦ ملکه با زنبورهای عدل به سمت باغ گل‌ها پرواز کردند.

..... ملکه با زنبورهای عدل به سمت باغ گلها پرواز کرد.

♦ دانش‌آموز و معلم، در کلاس مهارت‌های نوشتاری، می‌نوشت.

..... دانش‌آموز و معلم در کلاس مهارت‌های خوشنویسی پی نوشتند.

درس چهارم

◆ نوشته زیر را با حیوانید و پس از بررسی دقیق، موضوع نوشته و موضوع‌های کوچک‌تر هر بند را مشخص کنید.

موضوع:

نوروز! یعنی روز نو، روز گار نو. شاید به همین خاطر است که با آمدن نوروز، همه چیز نو می‌شود.

درختان از نو، شکوفه و برگ می‌کنند و از نو میوه می‌دهند. چشمه‌های زیادی از کوه، سرازیر می‌شوند که همه زلال و تازه هستند. حیوانات زیادی که در تمام زمستان در خواب بوده‌اند، بیدار می‌شوند و زندگی دوباره و نو پیدا می‌کنند.

در نو روز همه سعی می‌کنند، نو و تازه‌تری به نظر بیایند. خانه‌ها، آب‌س‌نو، بول‌نو، برگ و شکوفه نو، زندگی نو و ...

مادان، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دگرگون می‌کند، و همه چیز را برق می‌اندازد.

باید هم دست به نو آوری می‌زند، چیزهای نو می‌خرد، خاک یا آنچه را عوض می‌کند و یکی دو تا نهال یا گل رز هم می‌کارد.

بچه‌ها آب‌س‌های نو می‌پوشند؛ از بزرگ‌ترها عیدی و کتاب‌های نو می‌گیرند و در مسافرت عید، جامه‌های نو و تازه را می‌پینند.

راستی کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نو شدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سهراب سبهری در یکی از شعرهایش می‌گوید: چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید... به شستن چشم‌ها چیزی هست شبیه خانه‌نگارنی عید، یا عوض کردن آب‌س‌های کهنه و فرسوده.

● مطالب

معنی

زنده شدن طبیعت

نو شدن ظاهر و پوشش

نظافت و خا

نگارنی

خرید

عید و عیدی

نو شدن نگاه و اعیشه

◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «زبانم مو در آورد».

◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «خسته شدم».

جملهٔ ردیف اول درست است؛ زیرا بعد از عبارت «به قول معروف» یک سخن معروف و شناخته شده‌ای، فرار گرفته است؛ اما در جملهٔ ردیف دوم، سخن معروفی ذکر نشده است. بنابراین، هرگاه در نوشته‌ای عبارت «به قول معروف» را به کار ببریم؛ باید پس از آن حتماً سخن معروف، یعنی مشهور، مثالی رایج و... ذکر کنیم مانند:

◆ برای آمدن تو آن قدر صبر کردم که به قول معروف زیر پایم علف سبز شد.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ وقتی دو مینور در یک کلاس بائند به قول معروف نظم کلاس به هم می‌خورد.

وقتی دو مینور در یک کلاس بائند به قول معروف...!! دو پادشاه در یک کلاس بائند.

ننگین

◆ از پس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف همه به خواب رفتند.

از پس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف...!! علف سبز زیر پایم شد.

درس پنجم



فعالیت‌های نگارشی

◆ پس از خواندن بند زیر، جمله موضوع و جمله‌های کامل‌کننده را مشخص کنید.

جمله موضوع سخن گفتن در برابر جمع، برای خیلی‌ها با هیجان و هراس، همراه است.

ریشه این هیجان و هراس، در دوران کودکی این افراد، نهفته است. این هیجان و هراس، با آنها به دنیا نیامده است. این گونه، یاد گرفته‌اند یا از دیگران به آنها منتقل شده است. روان‌شناسان می‌گویند: «بیشتر مشکلات در بزرگسالی، به دوران کودکی برمی‌گردد». اگر این سخن روان‌شناسان درست باشد، پس هیجان و هراس، از سخن گفتن در برابر جمع هم، به تربیت و آموزش دوران کودکی ما برمی‌گردد.

◆ مؤلفان

جمله موضوع

جمله کامل‌کننده

◆ الف) کتابخانه‌ام را مرتب کردم. کتاب‌هایی را که نمی‌خواستم جمع کردم، توی جعبه گذاشتم و به کتابخانه محل هدیه کردم.

◆ ب) کتابخانه‌ام را مرتب کردم و کتاب‌هایی را که نمی‌خواستم جمع کردم و توی جعبه گذاشتم و به کتابخانه محل هدیه دادم.

جمله الف درست است. در جمله ب از «واو» ربط (حرف پیوند میان جمله‌ها) استفاده بی جا و بی‌رویه شده است.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ مادرم خانه را تر تمیز کرد و فرش‌ها را انداخت و وسایل را چید.

مادرم خانه را تر تمیز کرد. فرش‌ها را انداخت و وسایل را چید.

◆ بازیکن در نوک حمله پابه‌پای توپ دوید و بازیکن‌های تیم حریف را جا گذاشت زد و به دروازه نزدیک شد و گل زد.

بازیکن در نوک حمله پابه‌پای توپ دوید. بازیکن‌های تیم حریف را جا گذاشت
به دروازه نزدیک شد و گل زد.

درس ششم

العاب) بازی برای کودکان، لذت بخش تر از خوردن آب و غذا است. کودکان، وقتی در شوروشادی بازی غرق می‌شوند، غذاخوردن را فراموش می‌کنند. بیشتر مادران برای خوراندن غذا به کودکان خود، به زحمت می‌افتند؛ اما مرکز پیش نمی‌آید، مادری برای تشویق کودک به بازی، به زحمت بیفتد. کودکان هنگام غذا خوردن، به سراغ بازی می‌روند؛ ولی هنگام بازی، معمولاً دنبال غذا نمی‌روند.

موضوع بند: اهمیتش... بازی... برای... کودکان.....

جمله موضوع: بازی، برای... کودکان... لذت بخش... است... از... خوردن... آب و غذا است.

ب) «کتاب‌ها، مثل آدم‌ها هستند. بعضی از کتاب‌ها ساده ایاس می‌پوشند و بعضی، ایاس‌های عجیب و غریب و رنگارنگ دارند. بعضی از کتاب‌ها برای ما قصه می‌گویند تا بخوابیم و بعضی قصه می‌گویند تا بیدار شویم. بعضی از کتاب‌ها شاگرد اول می‌شوند و جایزه می‌گیرند؛ بعضی مردود می‌شوند و بعضی تجدید؛ بعضی از کتاب‌ها تقلب می‌کنند... بعضی از کتاب‌ها پرحرف‌اند ولی حرفی برای گفتن ندارند و بعضی ساکت و آرام‌اند ولی یک عالم، حرف گفتنی در دل دارند...»

موضوع بند: دهنه... چندی... کتابها.....

جمله موضوع: کتابها... مثل... آدمها... هستند.....

الف) صبح زود از خانه بیرون می‌روم. وقتی به مدرسه می‌رسیم، پایای مدرسه را می‌بینم که تازه در مدرسه را باز می‌کند.

ب) صبح زود از خانه بیرون می‌روم. وقتی به مدرسه رسیدم، پایای مدرسه را می‌بینم که تازه در مدرسه را باز می‌کرد.

جملهٔ الف درست است. زیرا همهٔ فعل‌ها در زمان «حال» جریان دارند. هنگام نوشتن باید به زمان فعل‌ها توجه داشت. چرخش فعل‌ها از زمان حال به زمان گذشته و برعکس، نوشته را پیچیده و خواننده را سردرگم می‌کند.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ دوچرخه‌سواری در روزهای باصفای اردیبهشت، دلپذیر بود. دوچرخه هم انگار خوش می‌آید. بهتر می‌رفت.

.....
دوچرخه سواری در روزهای باصفای اردیبهشت، دلپذیر ا
.....
دوچرخه هم انگار خوشش می‌آید، بهتر می‌رود.
.....

◆ گل را از روی شاخه می‌چیدم، بو می‌کشم؛ اما مثل همیشه از بوی آن لذت نمی‌بردم.

.....
گل را از روی شاخه می‌چیدم، بو می‌کنم، اما مثل
.....
همیشه از بوی آن لذت نمی‌بردم.
.....

درس هفتم

◆ ابتدا موضوعی برای متن زیر تعیین کنید، سپس برای هر بخش، پریش‌هایی مناسب، طرح کنید.

سهراب سهری از شاعران معاصر است که در ۱۵ مهر ماه ۱۳۰۷ در کاشان به دنیا آمد. پدرش «سداالله» و مادرش «ماه‌چین» نام داشت و هر دو اهل هنر و شعر بودند.

سهری دوره ابتدایی و دبیرستان را در کاشان به پایان رساند و پس از فارغ‌التحصیلی از دانش‌سرای مقدانی به استخدام اداره فرهنگ کاشان درآمد. سپس به تهران آمد و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و نشان درجه اول علمی را دریافت کرد.

سهراب در زمینه شعر، آثار ارزشمندی را پدید آورد. شعرهایش بسیار لطیف و پر از احساس و عاطفه است. مجموعه شعر «حشت کتاب»، اثر معروف اوست.

وی به فرهنگ مشرق زمین علاقه خاصی داشت و به هندوستان، پاکستان، افغانستان، ژاپن و چین سفر کرد.

سهری، اردیبهشت ۱۳۵۹ در تهران درگذشت. آرامگاهش در اردبیل کاشان است.

◆ موضوع:

◆ پریش‌ها:

- ◆ در چه تاریخی در چه مکانی پدید آمده است.....؟
- ◆ تحصیلات کورهای فعالیت وی در کجا و چگونه بوده است.....؟
- ◆ علایق وی چه بوده و آثار وی دارای چه ویژگی‌هایی است.....؟
- ◆ در چه تاریخی از دنیا رفت و محل آرامگاه او کجاست.....؟

درست نویسی

الف) فام، نشان ماست، نام من فریده‌یج است و دارم برایت نامه می‌نویسم.

ب) نام نشان ماست، فامه من فریدون است و دارم برایت نامه می‌نویسم.

جمله الف درست است. به کارگیری نشانه «ه» در دومین جمله ردیف «ب» در کلمه «نامه» نادرست است. آنچه در این جمله از این کلمه تلفظ و شنیده می‌شود، صدای (ن) است.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ سوار از راه رسید، سواره بر اسب؛ او پیاده بود و ما سواره.

..... سوار از راه رسید. سواره سوار. سوار سوار. سوار سوار. سوار سوار.

◆ کار جوهر انسان است. کاره من خواندن و نوشتن است؛ من همه کاره نیستم.

انسان است. کار من خواندن و نوشتن است. من همه کاره نیستم.

کار جوهر

درس هشتم

شجاعت این است که انسان در موقع ازوم در برابر حوادث و مخاطرات و رنج‌ها و مشقت‌ها ایستادگی کند. شجاعت، ترسیدن نیست. مثلاً آن کس که با کمال بی پروایی در کوچه و خیابان مرنکب حرکات شرم آور می‌شود، شجاع خوانده نمی‌شود.

شجاع، کسی است که از مرگ و خطر و عواقب کارهای بد بترسد؛ ولی در موقع ترس، خود را نیاززد و دست و پای خود را گم نکند. فرماندهی که در زیر آتش توپ‌خانه دشمن بر جان خود می‌ترسد؛ یا وجود آن، ناب می‌آورد و وظیفه خود را انجام می‌دهد، فرد شجاعی است. حتی زمانی که با زیردستی و مهارت، عقب نشینی می‌کند، شجاع است. وقتی باید او را ترسو خوانند که در مقابل دشمن، عقل خود را از ترس گم کند و به کاری دست یزند که به زان لشکریانش تمام شود.

شجاعت فقط شجاع بودن در میدان جنگ نیست. یکی از شجاعت‌ها، شجاعت اخلاقی است. شجاعت اخلاقی آن است که انسان، نظر و عقیده درست خود را با جرئت، بیان کند و در بیان حقیقت از هیچ چیز و هیچ کس حراس نداشته باشد.

شجاعت یکی از خصلت‌های نیکوی انسان است. شجاعت به انسان، نیرو، اعتماد و دایری می‌بخشد. جامعه‌ای که افراد آن شجاع باشند؛ مرکز در برابر دشمنان، تسلیم زور و ستم نمی‌شوند و از حق خود به خوبی دفاع می‌کنند.

◆ احمد بیسیار، فارسی اول راهنمایی، ۱۳۷۲، با کاهش و تغییر

◆ موضوع:

◆ پرسش‌ها:

- ◆ شجاعت یعنی چه؟.....؟
- ◆ شجاع چه کسی است؟.....؟
- ◆ شجاعت چند نوع است؟.....؟
- ◆ شجاعت در انسان چه اثرهایی می‌گذارد؟.....؟

الف) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتند.
 ب) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتن.

جمله الف درست است. می‌دانیم که «مصدر» یا «عمل» تفاوت دارد. فعل ویژگی شخص، شمار و زمان را بیان می‌کند و معمولاً در پایان جمله‌ها قرار می‌گیرد؛ اما مصدر این ویژگی‌ها را ندارد.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ گفتن و نوشتن جدا از هم نیستن.

..... گفتن و نوشتن جدا از هم نیستند

◆ آنها هم برای خودشان عقیده‌هایی داشتن.

..... آنها هم برای خودشان عقیده‌هایی دارند